



Analysis of the Policies of Al-Mowafaq Bellah Abbasi to Suppress the Rebellion of Saheb al-Zanj

Ali Akbar Abbasi¹

1. Associate professor of history, Esfahan university, Esfahan, Iran. Email: aa-abbasi-z@yahoo.com

Abstract:

The uprising of slaves led by Ali ibn Mohammad al-Zanj (270 A. H) against Abbasid caliphate is one of the most significant events in the middle of the third century After Hijrah. The favorable conditions for the uprising of slaves on the one hand, and the genius of Ali ibn Mohammad on the other hand, led to the rebellion of his supporters, the development of a government and the construction of cities and numerous consequences for the people of Khuzestan and southern Iraq. The Negroes repeatedly crushed the forces of caliphate; however, Al-Muwafaq Bellah Abbasi (278 A. H) could finally defeat the Negroes during an exhausting three-year-war and ended their rebellion and fifteen-year- government.

In this article, relying on the descriptive analytical approach, the policies of Al-Mowafaq Bellah against the Negroes and the reasons for their success have been investigated. According to the findings of this study, the most successful policies were vigilance and prevention of captivity in ambushes of Negroes, providing modern military equipment such as warships for fighting in swamps and rivers, and trenches, regulating the income and expenses of the court of caliphate and regular payment of pensions to the soldiers involved in war with the Negroes, providing safety and pension for the fugitive Negroes, taking advantage of the military and security information of the fugitive Negroes, trying to free the families of Muslims caught in the hands of the Negroes, achieving public confidence through repairing roads and restoring bridges and finally developing commerce in the areas recaptured from the Negroes.

Keywords: Negroes, Ali ibn Mohammad (Saheb al-Zanj), Al-Mowafaq Bellah, Khuzestan, southern Iraq.

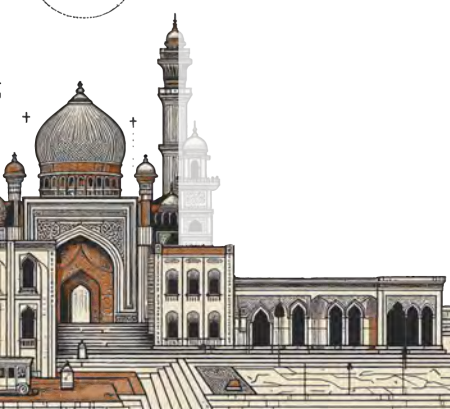
Article Info:

Article type: Research Article

Article history: *Received* December, 10, 2020
Received in revised form February, 13, 2021
Accepted March, 15, 2021
Published online June, 21, 2024

Cite this article:

Abbasi, A.A. (2024). Analysis of the Policies of Al-Mowafaq Bellah Abbasi to Suppress the Rebellion of Saheb al-Zanj. *History of Islam*, 25(2), 121-148. <https://doi.org/10.22081/hiq.2022.58734.2116>



Bagher Al-Olum University



ISSN 2783-414X



تحليل تكتيكات الموفق بالله العباسي في قمع ثورة صاحب الزنج

علي اكبر عباسي^١

١. أستاذ مساعد في قسم التاريخ، جامعة اصفهان، اصفهان، ايران. البريد الإلكتروني: aa_abbasi_z@yahoo.com

الملخص:

تعتبر ثورة العبيد التي قادها علي بن محمد صاحب الزنج (ت ٢٧٠هـ) ضد الخلافة العباسية من أهم أحداث منتصف القرن الثالث الهجري. وقد أدت الظروف المواتية لانتفاضة العبيد من جهة، والشخصية العبقريّة لعلي بن محمد من جهة أخرى إلى تمرد أنصاره، مما أدى إلى تشكيل حكومة و بناء مدن، بالإضافة إلى نتائج متعددة كان لها تأثيرها على سكان خوزستان و جنوب العراق. وقد هزم الزنوج قوات الخلافة لمرات عديدة، و لكن في النهاية استطاع الموفق بالله العباسي (٢٧٨هـ) هزيمتهم، خلال حرب مرهقة استمرت لثلاث سنوات، أدت الى القضاء على حكومتهم التي امتدت نحو خمسة عشر عاماً. يتطرق هذا البحث إلى حديث حول تكتيكات الموفق بالله العباسي ضد الزنوج و أسباب نجاحه في ذلك، من خلال الاستناد على المنهج الوصفي التحليلي. و وفقاً لنتائج هذا البحث، فإن أهم التكتيكات الناجحة كانت: اليقظة و منع الوقوع في كمانن الزنج، توفير المعدات العسكرية اللازمة كالسفن الحربية التي تساعد على خوض المعارك في الأنهار و الخنادق و المستنقعات، تنظيم نفقات مسؤولي الخلافة، الدفع المستمر لرواتب العسكريين المشاركين في الحرب، إعطاء الأمان للزنوج الهاربين و تحديد مصيرهم، و الاستفادة من معلوماتهم العسكرية و الأمنية، بالإضافة إلى ذلك، تحرير الأسيرات المسلمات اللاتي وقعن في قبضة الزنج، و كسب ثقة الشعب من خلال إعادة ترميم الطرق و الجسور و العمل على الازدهار التجاري في الأماكن التي تمت السيطرة عليها.

الكلمات المفتاحية: الزنوج، علي بن محمد (صاحب الزنج)، الموفق بالله، خوزستان، جنوب العراق.

اطلاعات المقالة:

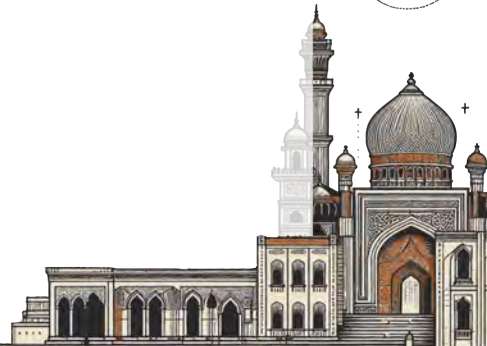
نوع المقالة: بحثية

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٠/١٢/١٠ | تاريخ المراجعة: ٢٠٢١/٠٢/١٣ | تاريخ القبول: ٢٠٢١/٠٣/١٥ | تاريخ النشر: ٢٠٢٤/٠٦/٢١

استشهاد به هذا المقال:

عبا سي، علي اكبر (٢٠٢٤). تحليل تكتيكات الموفق بالله العباسي في قمع ثورة صاحب الزنج. تاريخ الإسلام، ٢٥(٢)، ١٢١-١٤٨.

<https://doi.org/10.22081/biq.2022.58734.2116>



جامعة باقر العلوم



ISSN إلكتروني
2783-414X

الناشر: جامعة باقر العلوم للإسلام. © المؤلفون.



تحلیل تاکتیک‌های الموفق بالله عباسی برای فرونشاندن شورش صاحب‌الزنج

علی اکبر عباسی^۱

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: aa_abbasi_z@yahoo.com

چکیده:

شورش بردگان به رهبری علی بن محمد صاحب‌الزنج (م. ۲۷۰ق) علیه خلافت عباسی، یکی از مهم‌ترین رویدادهای میانه قرن سوم هجری است. زمینه‌های مساعد برای قیام بردگان از یک سو، و نبوغ شخص علی بن محمد از سوی دیگر، سبب شد که شورش طرفداران او به تشکیل حکومت و ساخت شهرها و پیامدهای متعددی برای مردم خوزستان و جنوب عراق منجر شود. زنگیان بارها نیروهای خلافت را در هم شکستند؛ ولی در نهایت، الموفق بالله عباسی (۲۷۸ق) توانست در طی یک جنگ فرسایشی سه‌ساله، زنگیان را شکست دهد و به شورش و حکومت پانزده‌ساله آنان پایان دهد.

در این مقاله با رویکرد وصفی-تحلیلی، به بررسی تاکتیک‌های الموفق بالله بر ضد زنگیان و دلایل موفقیت آنها پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، شاخص‌ترین تاکتیک‌های موفق عبارت بودند از: هوشیاری و جلوگیری از اسارت در کمین‌های زنگیان، فراهم آوردن تجهیزات لازم نظامی روز مثل کشتی‌های جنگی برای نبرد در باتلاق‌ها و رودخانه‌ها و خندق‌ها، نظم دادن به دخل و خرج دربار خلافت و پرداخت منظم مستمری نظامیان درگیر جنگ با زنگیان، امان دادن به زنگیان فراری و در نظر گرفتن مقرری برای آنان، استفاده از اطلاعات نظامی و امنیتی زنگیان فراری، کوشش برای آزاد ساختن نوامیس مسلمانان گرفتار در جنگ زنگیان، جلب اعتماد عمومی از طریق تعمیر راه‌ها و مرمت پل‌ها و سرانجام توسعه بازگانی در مناطق پس گرفته شده از زنگیان.

کلیدواژه‌ها: زنگیان، علی بن محمد (صاحب‌الزنج)، الموفق بالله، خوزستان، جنوب عراق.

اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

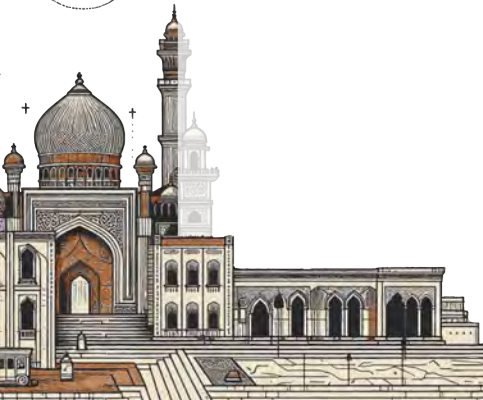
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰ | تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

استناد:

عباسی، علی اکبر (۱۴۰۳). تحلیل تاکتیک‌های الموفق بالله عباسی برای فرونشاندن شورش صاحب‌الزنج. تاریخ اسلام، ۲۵(۲)، ۱۲۱-۱۴۸. <https://doi.org/10.22081/hiq.2022.58734.2116>

تاریخ اسلام

سال بیست و پنجم، شماره نود و هشتم، تیر ۱۴۰۳



شاپا الکترونیکی
۲۷۸۳-۴۱۴۸

نویسندگان. © ناشر: دانشگاه باقرالعلوم



مقدمه

دوره دوم خلافت عباسی (۲۳۲-۳۳۴ق)، معروف به عهد ترکان، دوره ضعف خلفا و آشفتگی اوضاع دربار خلافت عباسی هم محسوب می‌شود. در آن دوره، ترکان بر خلیفگان چیره شده بودند و به تعبیر مسعودی (م. ۳۴۶ق): «خلیفه‌ای در میان وصیف و بغا^۱ در قفس است و هرچه بگویند، مانند طوطی تکرار می‌کند.»^۲ پس از آن دو نیز، فرزندان «وصیف» و «بغا» و بسیاری دیگر از نظامیان در امور خلافت عباسی مداخله می‌کردند و به درگیری‌های داخلی و ناامنی‌ها دامن می‌زدند. از خلفای قدر عهد اول عباسی و تسلط آنان بر امور خلافت، خبری نبود. بعد از دوره متوکل (خلافت: ۲۳۲-۲۴۷ق)، بسیاری از خلفا مدت کوتاهی بر سرکار بودند و کور، کشته و برکنار می‌شدند. در شرایطی که توان سیاسی، نظامی، اداری و اقتصادی خلفا به شدت کاهش یافته بود، فتنه عجیب و بی‌سابقه‌ای در قلمرو خلفا و تا حدودی نزدیک به مرکز خلافت رخ داد. این واقعه، از همه وقایع حساس‌تر و برای مردم پُر از رعب و وحشت بود. شورش بردگان سیاه به رهبری شخصی به نام علی بن محمد معروف به صاحب‌الزنج در دوران خلافت مهتدی (خلافت: ۲۵۵-۲۵۶ق) شروع شد و چهارده سال از دوران خلافت بیست‌وسه ساله معتمد (خلافت: ۲۵۶-۲۷۹ق) هم باقی بود و مشکلات زیادی را برای خلافت و مردم مناطقی وسیع ایجاد کرد. در زمانی که شورش زنگیان جدی شده بود، صفاریان (حک: ۲۴۰-۳۸۱ق) و طولونیان (حک: ۲۵۴-۲۹۲ق) در شرق و غرب قلمرو عباسیان، قدرت خاندان عباسی را محدود و حتی تهدید می‌کردند. پانزده سال سیطره زنگیان به رهبری علی بن محمد معروف به صاحب‌الزنج و سالار زنگیان، آرامش را از مردم خوزستان اهواز، شوشتر، آبادان، بصره، ابله، واسط و نواحی مجاور گرفته بود. فتنه‌ای که به نظر می‌رسید، از بین رفتنی نیست. تعداد کشته‌شده‌های این فتنه را: دو میلیون و پانصد هزار،^۳ حدود سیصد هزار،^۴ بیش از یک و نیم میلیون نفر^۵ و نیم میلیون ذکر کرده‌اند.^۶ طبری

۱. وصیف و بغا، از فرماندهان بزرگ در عهد خلافت متوکل، منتصر، مستعین و معتز بودند و هر دو در سال ۲۵۳ و ۲۵۴ کشته شدند. (ر.ک: مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۹۱)

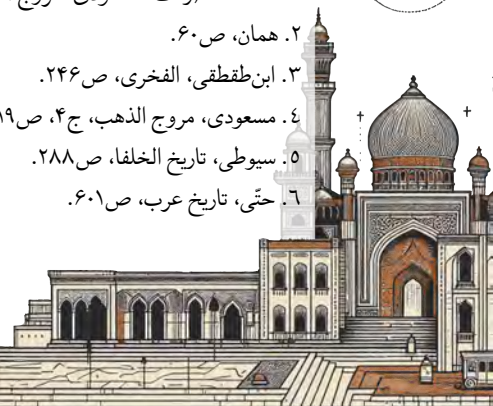
۲. همان، ص ۶۰.

۳. ابن طقطقی، الفخری، ص ۲۴۶.

۴. مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۹.

۵. سیوطی، تاریخ الخلفا، ص ۲۸۸.

۶. حتی، تاریخ عرب، ص ۶۰۱.





(م. ۳۱۰ ق) که نزدیک‌ترین و موثق‌ترین گزارش را از قیام و حکومت زنگیان ارائه داده، تعداد کل کشته‌شدگان را ذکر نمی‌کند و می‌نویسد: معلوم نیست.^۱ نمی‌توان ارقام مبالغه‌آمیز نویسندگان در قرون بعد را پذیرفت. در مجموع، ذکر رقم نزدیک به واقعیت از تلفات، ممکن نیست.

سرداران زیادی برای نابودی فتنه زنگیان از سامرا و بغداد اعزام شدند و کمتر موفق بودند. برخی از آن سرداران، موفقیت‌های اولیه‌ای به دست می‌آوردند؛ ولی در نهایت، مغلوب شیوه‌های جنگی علی بن محمد صاحب‌الزنج می‌شدند. منطقه باتلاقی تحت تسلط زنگیان، شرایط خاصی داشت که نیروهای خلافت عباسی نمی‌توانستند از تمام انرژی و امکاناتشان بهره‌مند شوند؛ حتی خود ابواحمد موفق (م. ۲۷۸ ق) در سال‌های میانی فتنه زنگیان، بارها به جنگ با آنان شتافت و توانست آن‌چنان که باید و شاید، کاری از پیش ببرد. پس از شکست کامل صاحب‌الزنج و نابودی شورش و حکومت او، شاعران زیادی از تلاش‌های ابواحمد به‌سختی تمجید کردند و از اینکه بلایی را از امت محمد (ص) دفع کرده، اظهار رضایت نمودند.^۲ مسئله اصلی این مقاله، این است که ابواحمد موفق، در سه سال جنگ فرسایشی (از سال ۲۶۷-۲۷۰ ق) با زنگیان، چه نقشه‌هایی را بر ضد آنان طراحی کرد که با وجود قدرت قابل ملاحظه و شمار نظامیان بسیار زیادشان، توانست مغلوبشان کند؟

از سال ۲۶۷ تا ۲۷۰ ق، طلحة بن متوکل معروف به ابواحمد موفق، برادر خلیفه وقت، با طرح و برنامه سازماندهی شده و حساب شده، توانست زنگیان را مغلوب و ریشه فتنه کهنه آنان را بخواهاند. در این مقاله، طرح‌ها، تاکتیک‌ها و برنامه‌های الموفق بالله در جنگ فرسایشی وی بر ضد حکومت زنگیان و براندازی آنان بر اساس داده‌های منابع کهن مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. محققان معاصر در پژوهش‌های خود به زنگیان پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌کدام به مسئله مدنظر در این مقاله توجه نداشته و بر آن متمرکز نشده‌اند. محمد عبدالحی شعبان در مقاله «قیام صاحب‌الزنج؛ قیام بردگان یا شورش سیاه‌پوستی» ضمن رد دیدگاه نولدکه^۳ (م. ۱۹۳۰ م)، در باره نژاد قیام‌کنندگان در شورش صاحب‌الزنج، بر این مسئله متمرکز

۱. «لا یوقف علی عدد هم.» (طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۶۶۱)

۲. قیروانی، زهرة الآداب، ج ۲، ص ۲۶۷.

3. Noldeke.





شده است که قیام صاحب‌الزنج، قیامی از سوی سیاه‌پوستان و نه بردگان بوده و از سوی تاجران ثروتمند حمایت می‌شده است.^۱ وی در این راستا، شواهدی را نیز ارائه داده است. اگرچه رگه‌هایی از حقیقت در دیدگاه وی وجود دارد، ولی نمی‌توان به طور کامل، نظر وی را پذیرفت و شواهد زیادی بر برده بودن دست‌کم تعداد قابل توجهی از گروندگان به علی بن محمد وجود دارد.

یکی از محققان، به مذهب، نسب و ویژگی‌های شخصیتی رهبر شورش در مقاله‌اش توجه داشته است.^۲ حسین قوامی در سه مقاله تحت عنوان: «قیام زنگیان»،^۳ «نظری به دو جنبش بردگان»^۴ و «یک جنبش روستایی»^۵ در مجله چیستا، تنها کلیاتی از شورش و قیام زنگیان و جنگ‌های پانزده‌ساله آنان را ذکر کرده است. در مقاله «جنبش بردگان زنگی در جنوب» هم فقط کلیاتی از بحث شورش مطرح شده است.^۶ همچنین، در سه شماره از مجله درس‌هایی از مکتب اسلام مباحثی در باره زنگیان بدون ذکر نام مؤلف در دهه شصت شمسی چاپ شده است که به مسئله مدنظر در مقاله حاضر، توجهی نشده است.^۷ حسینعلی ممتحن در کتاب پیشگویی‌های استوار و راستین حضرت امیرالمومنین علیه السلام در باره نهضت صاحب‌الزنج به طور گسترده‌ای بر پیشگویی حضرت امیر علیه السلام در خصوص قیام زنگیان پرداخته است. از پژوهش‌های محققان عرب، کتاب علی احمد تحت عنوان قیام زنگیان در ۱۵۸ صفحه به کلیاتی از این قیام در دوره پانزده‌ساله اشاره دارد. کتاب فصیل سامر تحت عنوان ثورة الزنج که در بغداد به چاپ رسیده، از اهمیت زیادی برخوردار است و به بیان دلایل پیدایی نهضت زنگی و پیامدهای آن می‌پردازد. از بین مستشرقان هم پطروشفسکی (م. ۱۹۷۷م)^۸ روسی، در باره قیام بردگان و طرف‌داری آنها از علی بن محمد و به‌خصوص اندیشه مساوات‌طلبی در آن نهضت، در کتاب سه مقاله در باره بردگی مباحث

۱. شعبان، «قیام صاحب‌الزنج: قیام بردگان یا شورش سیاه‌پوستی»، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، ش ۶، ص ۷۶.
۲. برهمند و دیگران، «نگاهی دیگر به برخی از ابعاد شورش زنگیان»، مجله علمی-پژوهشی مسکویه، ش ۱۶، ص ۴۱-۶۰.
۳. قوامی، مجله چیستا، ش ۸، ص ۹۴۴-۹۵.
۴. همان، ش ۲۰، ص ۱۱۵۱-۱۱۵۵.
۵. همان، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۸۶۹-۸۷۴.
۶. منزوی، «جنبش بردگان زنگی در جنوب»، مجله فرهنگ نو، ش ۸، ص ۶۱-۶۸؛ همان، ش ۹، ص ۶۰-۶۷.
۷. مجهول المؤلف، درس‌هایی از مکتب اسلام، فروردین ۱۳۶۱، مهر ۱۳۶۶ و آذر ۱۳۶۶.

8. Petrushevsky.





قابل توجهی دارد. همچنین، نولدکه در فصل پنجم کتاب مختصری از تاریخ شرق^۱ تحت عنوان «یک جنگ بردگی در شرق»^۲ به حواشی قیام زنگیان پرداخته است.

نقد و بررسی منابع در باره شورش صاحب‌الزنج و زنگیان

شورش زنگیان به رهبری علی بن محمد برقی، معروف به صاحب‌الزنج و سالار زنگیان، از سال ۲۵۵ق/۸۶۸م تا ۲۷۰ق/۸۸۳م، وحشت و حساسیت زیادی را در جامعه اسلامی آن روز ایجاد کرد و چالش به وجود آمده در بین مسلمانان نمی‌توانست اهل قلم را تحت تأثیر قرار ندهد. باید به این نکته هم توجه داشت که نیمه دوم قرن سوم هجری، دوران شکوفایی و تا حدودی بالندگی مراکز علمی^۳ و اهل قلم بود و آثار بسیاری در رشته‌های مختلف علمی در آن دوران تألیف شده و برخی از آنان باقی مانده است. برخی از خلفا، درباریان و نظامیان هم به علم و تحصیل علاقه‌مند بودند؛ حتی «الموفق بالله عباسی» که مؤثرترین شخص در براندازی فتنه صاحب‌الزنج بود، به «علم صرف، نحو و اخبار» علاقه داشت^۴ و زیربن‌بکار کتاب الموفقیات خویش را به نام او تألیف کرد.^۵ ابوالحسن علی بن حسین مسعودی که خود متولد نیمه دوم قرن سوم و متوفای ۳۴۶ق است، در این باره می‌نویسد:

«... مردم در باره اخبار صاحب‌الزنج و جنگ‌های او و آنچه در زمان شورش او اتفاق افتاد، کتاب‌های فراوانی نوشته‌اند و اول کسی که اخبار وی را از آغاز کارش در بحرین تا... تصنیف کرد، محمد بن حسن بن سهل، برادر فضل بن سهل ذوالریاستین بود.»^۶

1. Sketches from Eastern History.

2. a Servile War in the East.

۳. اوج تأسیس و توجه به مراکز علمی در قرن چهارم و پنجم، با تأسیس دارالعلم‌ها و نظامیه‌ها بود؛ ولی از اواخر قرن دوم و به‌ویژه قرن سوم، مراکز علمی مهمی دست‌کم در بعضی شهرهای جهان اسلام پدید آمد. خلفای دانش‌دوستی مثل هارون و بیشتر از او، مأمون و خاندان‌های علم‌دوستی مثل آل برمک و آل سهل و دارالترجمه‌ها و مراکز علمی شبیه بیت‌الحکمه و ظهور مترجمان شاخصی مثل حنین بن اسحاق کندی که شصت مترجم زیر نظر وی کار می‌کردند، مسلمانان را با شاخه‌های مختلف علوم آشنا کرده بود و تعداد ترجمه‌ها و تألیفات، رونق قابل توجهی یافته بود. (ر.ک: عباسی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ص ۸۴-۹۶)

۴. زیربن‌بکار، الموفقیات، ص ۲۱.

۵. همان.

۶. مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۰۸.



محمد بن حسن بن سهل، معروف به الشیلمه (م. ۲۸۰ق)، از همراهان صاحب‌الزنج و از آگاهان به اخبار وی بوده است.^۱ در ذکر اخبار نقل شده از وی، موضع‌گیری زیادی به نفع زنگیان یا علیه آنان مشاهده نمی‌شود. این مؤلف، در سال ۲۸۰ق و تقریباً ده سال پس از فروکش کردن ماجرای صاحب‌الزنج و زنگیان توسط خلیفه عباسی ابوالعباس معتضد (خلافت: ۲۷۹-۲۸۹ق)، به اتهام دعوت برای عبدالله^۲ یا عبیدالله^۳ فرزند مهتدی عباسی (خلافت: ۲۵۵-۲۵۶ق)، دستگیر، شکنجه و اعدام شد.^۴ اگرچه اصل کتاب محمد بن سهل نابوده شده، ولی مطالب او توسط مؤلفان زیادی از همان دوران و نویسندگان قرون بعدی در آثارشان ذکر شده است. ابوبشراح محمد بن ابراهیم العمی (متوفای ۳۵۰ق)، مورخ و محدث امامی هم کتابی تحت عنوان اخبار صاحب‌الزنج داشته است^۵ و این کتاب هم در گذر زمان، مفقود شده است.

غیر از تک‌نگاری‌های ویژه قیام زنگیان، منابع ادبی هم اطلاعات خوبی را در باره قیام سیاهان دارد که گاه در سایر منابع یافت نمی‌شود. منابعی چون: زهر الآداب و ثمر الألباب اثر قیروانی (م. ۴۵۳ق)، نشوار المحاضرة و اخبار المذاكرة تألیف تنوخی (م. ۳۸۴ق)، نثر الدر فی المحاضرات تألیف ابوسعید آبی (م. ۴۲۱ق) و دیوان بحتری شاعر (م. ۲۸۶ق)، از جمله آنهاست. از کتب انساب هم کتاب جمهرة أنساب العرب ابن حزم اندلسی (م. ۴۵۶ق)، در این راستا درخور ذکر است.

با توجه به نایاب شدن کتب تک‌نگاری و ضمنی بودن بحث از زنگیان در کتب ادبی، مهم‌ترین منابع در باره صاحب‌الزنج و قیام زنگیان، تواریخ عمومی هستند. محمد بن جریر بن یزید طبری (۲۲۴-۳۱۰ق)، مؤلف تاریخ الرسل والأُمم والملوک است که

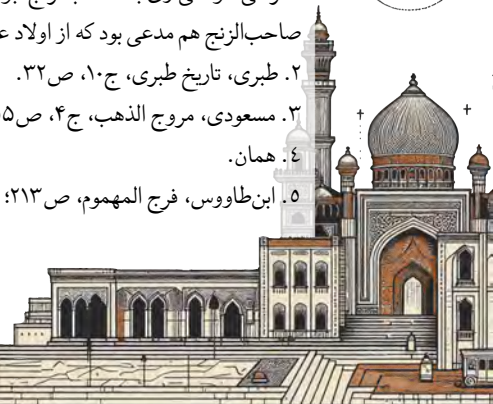
۱. افراد بسیاری، از ابواحمد موفق امان خواستند و الشیلمه، یکی از آنان بود. وی در اواخر کار صاحب‌الزنج، از ابواحمد امان خواست. طبیعتاً اطلاعات وی در باره صاحب‌الزنج که تقریباً تمام سال‌های شورش و حکومتش را با وی گذرانده بود، فوق‌العاده بوده است. شاید اعدام او ده سال بعد از سرکوب زنگیان توسط معتضد و زجرکش کردن وی، بی‌ارتباط با همراهی طولانی وی با صاحب‌الزنج نبوده باشد؛ به‌ویژه که در اعترافاتش از اینکه دوستدار آل ابی‌طالب است، یاد کرد و صاحب‌الزنج هم مدعی بود که از اولاد علی بن ابی‌طالب است.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۰، ص ۳۲.

۳. مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۵۵.

۴. همان.

۵. ابن طاووس، فرج المهموم، ص ۲۱۳؛ استرآبادی، منهج المقال، ج ۵، ص ۳۰.





گزارش مفصلی را از قیام صاحب‌الزنج و سیاهان در کتابش ارائه می‌دهد و از کتب و روایان زیادی استفاده کرده است. کتاب اخبار صاحب‌الزنج محمد بن حسن بن سهل نیز مورد استفاده او بوده است. طبری در زمان شروع قیام صاحب‌الزنج، سی و یک سال داشته و در زمان برافتادن حکومت سالار زنگیان، چهل و شش ساله بوده است. وی دست‌کم بخشی از پانزده سال زمان فتنه و حکومت صاحب‌الزنج را در بغداد^۱ بوده است و اخبار اعزام نیرو و از بغداد و سامرا برای مقابله با زنگیان را در مواردی بر اساس دیده‌های خود نقل می‌کند؛ در یک مورد می‌نویسد:

«... من خودم در آن هنگام، ساکن محله دروازه طاق بغداد بودم و آن

لشکر را دیدم...»^۲

نام روایان او در مواردی، بعضی از سرداران و یا همراهان سپاه موفق و فرزندش ابوالعباس (۲۴۲-۲۸۹ق) هستند.^۳ لحن کلی مؤلفان تواریخ عمومی، حمایت از خلافت و بر ضد زنگیان است و مؤلفی که با حسی جانب‌دارانه از زنگیان قلم زده باشد، در بین منابع نیست؛ ولی روایات منابعی مثل طبری، از زبان طیف‌های مختلفی از افراد و از جمله، بیشتر از همه از زبان طرف‌داران زنگیان، بعد از امان‌خواهی آنان است؛ ضمن اینکه در موارد بسیاری با شواهد و قراین نیز هماهنگ است. با کمی تسامح، کار طبری در ذکر اخبار و جنگ‌های زنگیان و شورش و حکومت صاحب‌الزنج را می‌توان شبیه کار شفاهی کاران دوره معاصر دانست. البته الفاظ و اصطلاحات منفی در باره زنگیان در متن اخبار مربوط به آنان در بین منابع دست‌اول کم‌وبیش مشاهده می‌شود. برخی واژگان تا حدودی جانب‌داری ضمنی مؤلفان را نشان می‌دهد و البته این موضوع، طبیعی است و گریزی از آن نیست.

اوضاع سیاسی جهان اسلام و خلافت عباسی هم‌زمان با شورش زنگیان

دوره دوم حکومت عباسی (۲۳۲-۳۳۴ق)، معروف به دوره ترکان، اوج ضعف خلفای عباسی و رواج هرج و مرج در مرکز خلافت آنان، شهر بغداد و نواحی پیرامون آن بود. در عهد آل‌بویه

۱. بغداد در آن سال‌ها از شهرهای مهم جهان اسلام محسوب می‌شد و بسیاری از کسانی که اهل تحصیل در رشته‌های مختلف علمی بودند، بدان شهر مهاجرت می‌کردند. طبری که اهل شهر آمل طبرستان بود، برای پرورش علمی خود، روانه دیگر شهرها و از جمله بغداد شد و بعدها فقیه مورخ و مفسر بسیار معروفی شد.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۴۹۲.

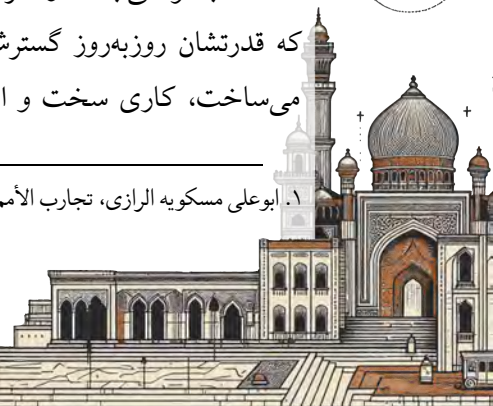
۳. به عنوان نمونه، ر.ک: طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۵۸، ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶ و ۵۷۰.





(حکومت: ۳۲۰-۴۴۸ق) هم خلفا قدرت نداشتند؛ ولی دیالمه امنیت را به نحو مطلوبی در عراق برقرار کرده بودند؛ حتی چهار خلیفه‌ای که در عهد آل‌بویه تحت سلطه دیالمه بودند، عمر طولانی داشتند و از گزند شورشیان مصون بودند. تعداد خلفای عهد ترکان، بسیار بیشتر از تعداد خلفای دوره بویه‌پیمان بود. دوره ترکان معمولاً خلفا آلت دست سرداران ترک بودند و تعداد زیاد این سرداران و رقابت بین آنان، اوضاع را آشفته می‌کرد. در زمان شورش زنگیان نیز معتمد (خلافت: ۲۵۶-۲۷۹ق) از رقابت سرداران و امرای قدرت طلب بی‌نصیب نبود و حتی یکبار تحت تأثیر اقدامات احمد بن طولون (حکومت: ۲۵۴-۲۷۰ق) می‌خواست که به مصر بگریزد و با ترفندهای موفق، برادرش، با خواری به بغداد برگردانده شد.^۱ دوره حکومت معتمد، در مقایسه با بسیاری از خلیفگان قبل از وی، نسبتاً طولانی بود و شاید یکی از دلایل مهم آن، این بود که موفق با وجود چیره شدن بر امور خلافت، در صدد نابودی خلافت برادرش برنیامد و ضرورت مبارزه با شورش‌ها و مخالفان خلافت عباسی از قبیل شورش و حکومت علی بن محمد زنگی (حکومت: ۲۵۵-۲۷۰ق) و یعقوب لیث صفار (حکومت: ۲۴۷-۲۶۵ق) را مهم‌تر می‌دانست. حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل بسیاری در سراسر جهان اسلام پدید آمده بود. طولونیان بر مصر و شام مسلط شدند و در اوج قدرت بودند. برخی اوقات، حتی احمد بن طولون، بغداد را تهدید می‌کرد و در مجموع، کمترین باج را به عباسیان می‌داد. صفاریان نیز در فلات ایران وضعی مشابه داشتند. اغلبیان (حکومت: ۱۸۴-۲۹۶ق) در افریقیه، ادریسیان (حکومت: ۱۷۵-۳۷۵ق) در مغرب و امویان بر اندلس فرمانروایی داشتند. علویان (حکومت: ۲۵۰-۳۱۶ق) در طبرستان، شبیه ادریسیان مغرب و امویان اندلس (حکومت: ۱۳۸-۴۲۲ق)، اساس قدرت عباسی را مشروع نمی‌دانستند. سامانیان (حکومت: ۲۶۱-۳۹۵ق) در ماوراءالنهر، هنوز به اوج قدرت نرسیده بودند و عملاً هم نمی‌توانستند کمکی به خلیفه و همدستانش داشته باشند. نفوذ واقعی و همه‌جانبه نهاد خلافت به نواحی بغداد و اطراف آن، محدود شده بود. در چنین شرایطی، مقابله با زنگیانی که قدرشان روزبه‌روز گسترش می‌یافت و وحشت از اقداماتشان دل‌ها را پُر از رعب می‌ساخت، کاری سخت و انجام‌ناشدنی به نظر می‌رسید؛ به خصوص سال ۲۶۷ق که

۱. ابوعلی مسکویه الرازی، تجارب الأمم، ج ۴، ص ۴۷۷.





برنامه‌های مستمر و پیگیر موفق برای سرکوبی زنگیان شروع شد، دورنمای نتیجه مبارزه مبهم بود و کمتر کسی تصور می‌کرد وی از پس کاری که بسیاری از دیگر سرداران نتوانسته‌اند انجام دهد، برآید.

سیاست‌ها و تاکتیک‌های موفق برای سرکوب زنگیان

الموفق بالله (م. ۲۷۸ق) برادر خلیفه معتمد (۲۵۶-۲۷۹ق) و همه‌کاره دوران خلافت او بود. وی آشنا به فنون نظامی بود و فرمانده‌ای مطرح و در جنگ‌های بزرگ، امتحان پس داده بود. او بود که معتز (خلافت: ۲۵۲-۲۵۵ق) را به قدرت رساند و نیروهای مستعین (خلافت: ۲۴۸-۲۵۲ق) را در هم شکست^۱ و همو بود که از پس نیروی صفار سیستان برآمد و مانع تصرف بغداد توسط وی شد؛^۲ اما شهرت ابواحمد، بیشتر از همه به واسطه سرکوب شورش و حکومت زنگیان بود که در پانزده سال معضل بزرگی برای جامعه اسلامی شده بودند. در واقع، اوج شگردهای نظامی ابواحمد در جنگ با زنگیان، آن هم در جنگ‌های سال ۲۶۷ تا ۲۷۰ق نمایان شد و او را بسیار مشهور و معروف کرد؛ در حدی که وی را نجات‌دهنده خلافت عباسی و منصور دوم آن خاندان خواندند.^۳ در ادامه، اقدامات و تدابیر موفق بالله، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

الف. پرداخت منظم مواجب نظامیان

پرداخت منظم مستمری و مواجب نظامیان، همواره از دلایل اقتدار و تثبیت حکومت‌ها محسوب می‌شده است. پرداخت حقوق نیروهای وابسته به خلافت عباسی، در زمانی که خلفا ضعیف شده بودند و حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل موروثی خراج کمی می‌پرداختند، سخت بود. موفق بالله عباسی، در این زمینه هم به انواع لطائف‌الحیل سعی کرد نیروهای تحت امرش را دلگرم نگه دارد و همواره حقوق و مزایای آنان را سر موعده پرداخت کند. استفاده از غنایم جنگ‌هایی که بر ضد زنگیان و حتی دیگران به‌دست می‌آورد، اصرار در

۱. ابن اثیر الجزری، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۴۵.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۳.

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۰۲.





عهدنامه‌های حکومت‌های تحت امر خلیفه بر پرداخت خراج بیشتر، تلاش برای اینکه اموال به جای ارسال به بغداد به نزد وی و لشکرگاهش رود و ایجاد امنیت لازم برای کاروان‌های تجاری تا بتواند عوارض خوبی از توسعه تجارت نصیب حکومت عباسی کند، در راستای این سیاست بود. همه این راهکارها، باعث شد تا به‌خصوص در سه سال پایانی حکومت زنگیان، ابواحمد تأخیری در پرداخت مواجب نظامیان نداشته باشد. اینک برخی از مصادیق موارد ذکرشده را به نقل از منابع، بررسی می‌کنیم.

در یکی از گزارش‌های محمدبن حسن بن سهل آمده است:

«ابواحمد مقرر داشت برنج و گندم و جوی به‌دست‌آمده از انبارهای زنگیان در شهر منیعه^۱ را بفروشند و بهای آن را به مصرف پرداخت و مقرری و عطای وابستگان و بردگان و لشکریانش برسانند.»^۲

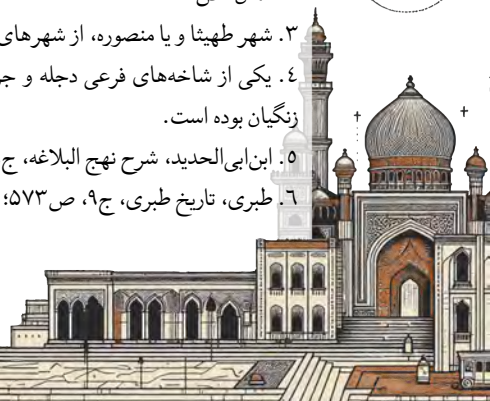
در جریان مقدمات آزادسازی شهر طهینا^۳ از دست زنگیان نیز آمده است:

«ابواحمد اموال را فراهم آورد و به لشکریان خویش مقرری آنان را داد و نخست آهنگ منطقه بالای بردودا^۴ کرد؛ تا از آنجا به طهینا برود.»^۵

آنچه را که زنگیان در دوران پانزده سال اقتدارشان در شهرها ذخیره کرده بودند، در این راستا به کار مقرری نظامیان می‌رسید:

«ابواحمد به تمام چیزهایی که در این شهر بود و همه اندوخته‌ها و دارایی‌ها و خوراکی و دام‌های اهلی که ثروت بیکران و گران‌قدری بود، دست یافت و دستور داد غلات و کالاهای دیگر را بفروشند و به مصرف پرداخت مقرری لشکر و وابستگان او برسانند.»^۶

۱. منیعه، شهری بود که یکی از سرداران صاحب‌الزنج به نام سلیمان بن موسی شعرانی کنار رود خمیس ساخته بود. (ر.ک: طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۶۵)
۲. همان، ص ۵۶۸.
۳. شهر طهینا و یا منصوره، از شهرهای ساخته‌شده به‌دست زنگیان و سردار معروف آن، سلیمان بن جامع بود.
۴. یکی از شاخه‌های فرعی دجله و جزیره‌ای به همین نام در کنار دجله که از مناطق محلّ تلاقی نیروهای خلافت و زنگیان بوده است.
۵. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۷۲.
۶. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۷۳؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۲، ص ۲۱۱.





اموال، غلات و دام‌های زیادی پس از رفتن مهلبی از اهواز به مختاره،^۱ نصیب ابواحمد موفق عباسی شد^۲ و دست وی را در برنامه‌ریزی‌هایش برای پرداخت مواجب لشکریانش بازتر کرد.

ب. اتخاذ تدابیر مناسب برای مقابله با شیخون‌های زنگیان و آمادگی نظامی برای خنثی‌سازی آن

صاحب‌الزنج با استفاده از کمین و شیخون‌های دهشتناک، مشکلات زیادی را در طی دوران حکومتش برای نیروهای خلافت درست کرد. بارها در سال‌های اولیه فعالیت صاحب‌الزنج، زنگیان در آستانه شکست قرار گرفتند؛ ولی به واسطه کمین نیروهای صاحب‌الزنج که شگرد علی‌بن‌محمد و نیروهای سخت‌کوش وی بود، ورق برگشت و اوضاع دگرگون و شکست به پیروزی تبدیل شد. یک مورد از این کمین‌ها که شیرازه سپاه پیروز خلیفه را در هم ریخت، کمین بر ضدّ جعلان بود:

«بر لشکر جعلان شیخونی زد که گروهی از یارانش را کشت و دیگران از او سخت در بیم و هراس افتادند... جعلان، عجز خود را از جنگ با صاحب‌الزنج برای سلطان آشکار ساخت.»^۳

تلقین حسّ رعب و وحشت در بین نیروهای مخالف هم از شگردهای صاحب‌الزنج بود. زنگیان، انبوه سرهای مخالفان و حتی مردم عادی را بر نیزه‌ها می‌کردند و به نمایش می‌گذاشتند. گاه بلم‌ها و زورق‌های بزرگ پُر از مجموعه‌های مخالفان را به نیروهای دشمن نشان می‌دادند.^۴ قتل‌عام‌های آنان در بصره، وحشت عجیبی را در بین مردم مناطق همجوار به وجود آورده و باعث اغراق‌گویی‌هایی در باره تعداد کشته‌شدگان به‌دست آنها می‌شد.

در مرحله اول فرماندهی ابواحمد، یکی از مهم‌ترین عوامل ناموفق بودن وی در استمرار پیروزی‌هایش، کمین‌ها و شیخون‌های زنگیان بود. برخی از سرداران زنگی، در این کار شرکت داشتند و بسیاری از سرداران شاخصی که به مقابله با زنگیان فرستاده شدند، با

۱. شهر مختاره، مهم‌ترین شهر ساخته‌شده به‌دست زنگیان و مرکز حکومت آنان با برج و باروهای بسیار مستحکم بود.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۷۶.

۳. همان، ص ۴۷۰؛ ابن‌خلدون، العبر، ج ۴، ص ۲۵.

۴. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۳۹.





کمین‌های مکرر آنان شکست خوردند و بعضی از آنها کشته شدند و افرادی از نبرد با سیاهان، دل‌شکسته و در نهایت، از کار برکنار شدند در دوره دوم فرماندهی موفق و از سال ۲۶۷ق به بعد، یکی از تاکتیک‌های موفق تلاش برای مقابله با کمین‌های زنگیان و بی‌اثر کردن شیخون‌های آنان بود. این کار، مستلزم اطلاعات گسترده در باره زنگیان، شیوه‌های نظامی آنان و کسب اطلاعات در مورد تصمیم‌گیری‌های سیاهان و اقدامات احتیاطی گسترده بر ضد آن بود. در گزارش فتح شهر طهیثا توسط موفق و در باره انجام اقدام‌های پیشگیرانه وی آمده است:

«... فرماندهان غلامان خویش را در نقاطی قرار داد که بیم آن بود زنگیان کمین

کرده باشند و از آنجا درآیند...»^۱

با توجه آگاهی‌ها و اطلاعات گسترده ابواحمد از شرایط جغرافیایی نبرد، در همان آغاز نبردهایی که سرنوشت زنگیان را مشخص کرد، امکانات لازم برای مقابله با شیخون‌ها تهیه و نیز برای نبرد سرنوشت‌ساز مهیا شد. ابوجعفر طبری می‌نویسد:

«بلم‌ها، زورق‌ها و پل‌های متحرک برای عبور پیادگان همراهشان بود و همه چیز

محکم و استوار ساخته شده بود.»^۲

برای مقابله با گلوله‌های بزرگ که قلع و سرب ذوب‌شده بود و حفاظت از کشتی‌های ابواحمد که مورد اصابت قرار می‌گرفت، موفق دستور داد برای بلم‌ها سپرهای ضخیم چوبی ساختند و بر آنها پوست گاو میش کشیدند و روکش‌هایی قرار دادند که آمیخته با انواع دارو و موادی بود که مانع آتش گرفتن می‌شد و بدین گونه، با سالار زنگیان می‌جنگیدند و آتش و گلوله‌های سرب مذاب، بر آنها اثری نمی‌کرد.^۳

ج. امان دادن به کسانی که از فتنه‌گران روی برمی‌تافتند

زنگیان ابتدا امکانات خاصی نداشتند و سپاه علی بن محمد بی‌سازو برگ بود؛ حتی برخی شارحان نهج البلاغه عبارات امام در باره ظهور صاحب‌الزنج در بصره^۴ را نشانه‌ای بر شرایط

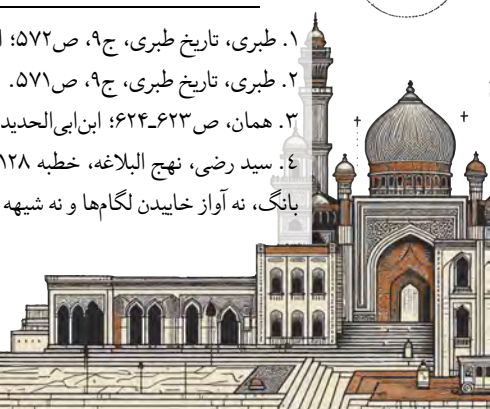


۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۷۲؛ ابوعلی مسکویه، تجارب الأمم، ج ۴، ص ۴۶۱.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۷۱.

۳. همان، ص ۶۲۳-۶۲۴؛ ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۰۲.

۴. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸، ص ۱۲۶: «... گویی او را می‌بینم با سپاهی می‌رود که آن را نه گردی است، نه بانگ، نه آواز خاییدن لگام‌ها و نه شیهه اسبان. زمین را به گام‌هاشان شیار می‌کنند چون گام شترمرغان...»





سخت نیروهای او در آغاز حرکتشان می‌دانند؛ چنان‌که گفته‌اند اسب سالار زنگیان افسار مناسبی نداشت، بردگان طرف‌دارش کفش نداشتند و پاهایشان به جهت راه رفتن بدون کفش بر زمین، مثل پاهای شترمرغان شده بود.^۱

در لابه‌لای گزارش‌های جنگ ابواحمد با صاحب‌الزنج، فراوان از تجهیزات و امکانات وسیع زنگیان یاد شده است؛ به‌عنوان نمونه، در یک مورد می‌خوانیم:

«... سلیمان بن جامع به سالار زنگیان نوشت که بلم‌هایی برای وی بفرستد که چهل پاروزن داشته باشد و در فاصله بیست روز، چهل بلم انباشته از جنگاوران و شمشیرها و سپرها و نیزه‌ها به یاری او رسید...»^۲

سالار زنگیان، از اطلاعات نجومی خویش هم برای پیشبرد اهدافش بهره می‌برد. وی پیشگویی‌اش در باره ماه‌گرفتگی در بصره را جهت تأیید الهی اقدامات خود و استجابات دعایش مطرح کرد:

«... اطلاع داشت که ماه در شب چهاردهم به حالت خسوف خواهد بود. محمد بن حسن بن سهل [از زبان او] گوید: ... من (صاحب‌الزنج) در نفرین به مردم بصره کوشیدم و در پیشگاه الهی برای تعجیل در ویرانی زاری کردم... من شکسته شدن نیمی از آنان را خسوفی که همین شب‌ها منتظر آن هستیم، تأویل کردم که نیمی از ماه پوشیده خواهد ماند و خیال نمی‌کنم پس از آن، کار مردم بصره روبه‌راه باشد.»^۳

در شرح محاصره شهر مختاره که نبردهای طرفین به اوج رسیده بود، آمده است:

«... لشکر زنگیان کشتی‌ها و بلم‌های ابواحمد را که به باروی شهر نزدیک می‌شدند، با گلوله‌های بزرگ که قلع و سرب ذوب‌شده بود، می‌زدند و با منجنیق و عراده‌ها سنگباران می‌کردند.»^۴

۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۴۱۵؛ ابوعلی مسکویه الرازی، تجارب الأمم، ج ۴، ص ۴۰۱؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۳۵. این گزارش منابع و برخی دیگر از گزارش‌های مشابه، نشان‌دهنده این است که دیدگاه شعبان در ردّ تودور نولدکه که در صفحات اولیه مقاله بدان پرداخته شد و جنبش زنگیان را جنبش بردگان نمی‌داند و آن را از سوی تاجران و ثروتمندان و سیاه‌پوستان می‌داند، باید با احتیاط نگریده شود.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۶۱.

۳. همان، ص ۴۸۱؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۲، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۴. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۰۲.





همه اینها، نشان‌دهنده اُبهت و اقتدار زنگیان در آن دوران است. تعداد نیروهای زنگی، از نیروهای موفق بسیار بیشتر بود. برخی نویسندگان نیروهای موفق را در زمان محاصره مختاره، پنجاه هزار و نیروهای زنگیان را سیصد هزار تن ذکر کرده‌اند.^۱ طبیعی بود که شکست دادن این نیروی سخت‌جان، آن هم در منطقه‌ای باتلاقی، طاقت‌فرسا بود و اگر هم نیروهای خلافت به شکست زنگیان موفق می‌شدند، تلفات بسیاری می‌دادند. قبل از سال ۲۶۷ق، تنها در یک مورد و پس از پیروزی سعید حاجب بر نیروهای زنگی، تعدادی از فرماندهان زنگیان از سعید امان خواستند؛ اما با ارائه سیاست موفق در حمله نهایی و سه‌ساله وی در واسط، اهواز و به‌خصوص شهر بزرگ و مستحکم مختاره، بیش از سی بار گروه‌های زیادی از مردم عادی زنگی، قایقرانان، فرماندهان، سرداران قدیمی و حتی برخی از خواص صاحب‌الزنج و در اواخر، دبیر و وزیر وی، از ابواحمد موفق امان خواستند و شرایط را برای سالار زنگیان سخت کردند؛ حتی بعد از تصرف شهر مختاره و کشته شدن صاحب‌الزنج، موفق بالله عباسی، هفت هزار زنگی را که از وی امان خواستند، بخشید.^۲

بدون تردید، یکی از دلایل موفقیت موفق در سرنگونی فتنه کهنه سالار زنگیان، همین سیاست درست او بوده است. امان‌خواهی زنگیان در واسط، اهواز^۳ و مناطق مشابه آن، بیشتر از سوی مردم عادی بود؛ ولی از زمانی که صحنه نبرد به اطراف شهر مختاره رسید، به تدریج تعداد زیادی از سرهنگان و بزرگان لشکر صاحب‌الزنج امان خواستند. اولین بار که نیروهای موفق از طریق رود مبارک به کناره‌های شهر مختاره رسیدند، وی طی نامه‌ای به سالار زنگیان نوشت و از وی خواست توبه کند و «به او فهماند که در توبه برای او گشاده و امان برای او موجود



۱. همان، ص ۱۸۴.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۵۴-۵۵۹، ۶۱۱-۶۰۱، ۶۱۴-۶۲۷ و ۶۲۸-۶۶۳.

۳. برخی از نیروهای طرفدار صاحب‌الزنج، چه سواره و چه پیاده، از رفتن همراه آن دو و پیوستن به سالار زنگیان خودداری کردند و در اطراف اهواز ماندند و به ابواحمد نامه نوشتند و از او امان خواستند که به آنان خبر رسیده بود: او بر هرکس از یاران و سپاهیان سالار زنگیان پیروز شود، او را عفو می‌کند. (ر.ک: طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۷۶)





است.»^۱ در مرحله بعد و پس از اصرار صاحب‌الزنج بر مقاومت در برابر نیروهای خلیفه، فرمانی از جانب موفق صادر شد که: «امان برای همگان از سیاه و سرخ خواهد بود؛ مگر برای خبیث (دشمن خدا)^۲ علی بن محمد.»^۳

این پیام امان سراسری، جار زده می‌شد و بر تیرها نوشته و به میان لشکرگاه زنگیان انداخته می‌شد؛ حتی ترفندهایی برای ناکام گذاشتن برنامه‌های صاحب‌الزنج و تبلیغات او بر ضد امان خواهان اجرا شد. بیشترین و سنگین‌ترین نبردها در کنار برج و باروی مختاره و خندق‌ها و رودهای اطراف شهر رخ داد و حدود دو سال و نیم به طول انجامید. برخی از فرماندهان امان‌یافته مثل سلیمان بن موسی شعرانی، قبلاً جنایات زیادی انجام داده بودند و موفق مدتی در قبول درخواست امان وی تامل کرد^۴ و در نهایت، احساس کرد دادن امان به وی می‌تواند باعث اعتماد سایر سرداران زنگی شود و این موضوع، می‌تواند در سرنوشت جنگ تأثیرگذار باشد. فرماندهان شاخص از طریق نامه، درخواست امان‌خواهی خویش را مطرح می‌کردند و موفق نیز شرایط را برای انتقال بی‌دردسر آنان از اردوگاه زنگیان به میان لشکریان خودش فراهم می‌کرد؛ از جمله اینکه قایق‌ها و بلم‌هایی را برای در امان ماندن امان‌یافتگان از شر زنگیان به محل‌های مخصوصی که قبلاً تدارک دیده بود، می‌فرستاد. خلعت دادن به سرداران زنگی که به موفق می‌پیوستند، دادن جوایز و صله‌ها و حتی لباس‌های مناسب به آنان، برقراری مقرری برای آنان مثل بقیه نظامیان، باعث می‌شد تا درخواست امان‌خواهی شدت بگیرد؛ به خصوص که با محاصره مختاره، شرایط زنگیان در آن شهر که در اوج قدرت زنگیان از بغداد و سامرا هم پیشی گرفته بود،^۵ بسیار سخت

۱. همان، ص ۵۸۱؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۲، ص ۲۱۱؛ ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۳، ص ۲۹۵.

۲. واژگانی که در متن امان‌نامه ذکر شده، در منابع متفاوت هست. در تاریخ طبری و تجارب الأمم، واژه «خبیث» برای علی بن محمد به کار رفته؛ در حالی که در شرح نهج البلاغه واژه «دشمن خدا» ذکر شده است.

۳. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۸۴؛ ابوعلی مسکویه، تجارب الأمم، ج ۴، ص ۴۶۶؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۸۴.

۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۶۴۲.

۵. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۶۴. مقایسه شود با: همین منبع، ص ۱۸۲-۱۸۳.





شده بود. اطلاعاتی که این امان‌یافتگان از: شیوه‌های نظامی زنگیان، غافلگیری‌ها و کمین‌های آنان، وضعیت اردوگاه‌های زنگی^۱ و محل استقرار فرماندهانشان^۲ برای نیروهای ابواحمد به ارمغان می‌آوردند، بسیار ارزشمند بود.

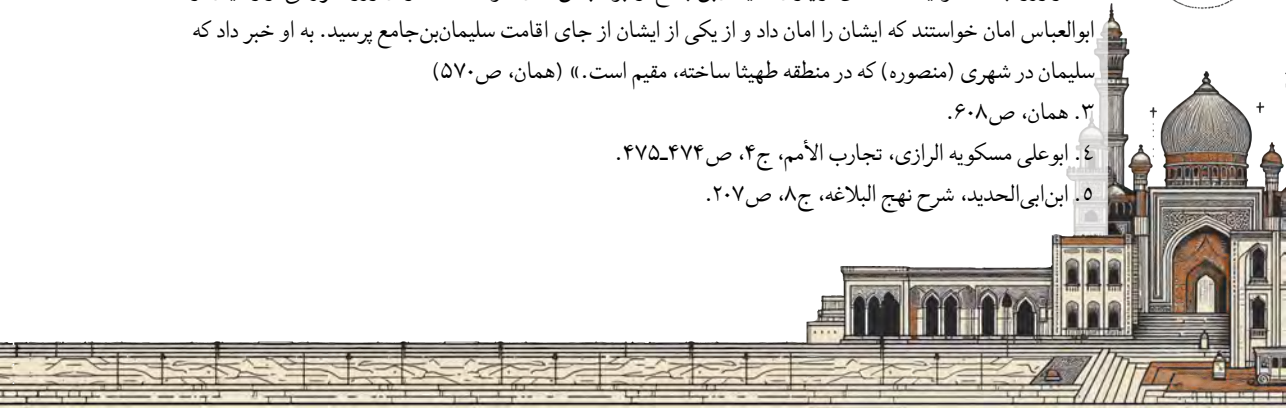
ابواحمد موفق، از برخی روش‌های ابومسلم خراسانی هم بهره می‌گرفت. وی اسرای پیر و فرتوت و کسانی را که توان جنگیدن نداشتند، معالجه می‌کرد و با احسان به آنان و بازگرداندنشان به اردوگاه صاحب‌الزنج^۳ عملاً تبلیغات وسیعی در لشکرگاه زنگیان به نفع خود و بخشش هایش به راه انداخت و بسیاری از آنان را به امان خواهی واداشت.

با وجود کشته‌های زیاد در طی سال‌های: ۲۶۷، ۲۶۸ و ۲۶۹ق، نیروهای ابواحمد در ماه‌های پایانی سال ۲۶۹ق به دلیل اضافه شدن امان‌یافتگان از زنگیان، پنجاه هزار بودند و علاوه بر این نیروها، در آخر سال ۲۶۹ق دبیر ابواحمد ده هزار نیروی جدید برای یاری موفق از سامرا آورد و لولوء هم که از سرداران طولونی بود، با ده هزار نیرو به کمک موفق شتافت.^۴ مردم اهواز ده هزار، مردم بحرین دو هزار و مردم فارس هزار داوطلب به کمک ابواحمد موفق فرستادند.^۵

د. گشودن راه‌های تجاری برای ایجاد رفاه عمومی و جلب اعتماد مردم

بسته شدن راه‌های تجاری در بصره، باعث قحطی و بدبینی نسبت به عباسیان که مسئول ایجاد امنیت و رفاه بودند، شده بود. با اقدامات زنگیان در اهواز، در امر تجارت اخلاص ایجاد شده بود. تخریب پل‌های کلیدی و وحشت از زنگیان، شرایط را برای کاروانیان و مبادله کالا سخت می‌کرد. ناامنی‌های ایجادشده به وسیله زنگیان، تأثیر منفی بر تجارت منطقه گذاشته

۱. آنان به راه‌ها و تنگناهای لشکرگاه سالار زنگیان و حيله‌هایی که برای جنگ فراهم ساخته است از دیگران آشناترند و دیگران این آگاهی‌ها را ندارند... کوشش کنند که بر سالار زنگیان درآیند و در دژها و حصارهای او نفوذ کنند... اگر این کار را انجام دهند، نسبت به آنان احسان بیشتری خواهد شد. (طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۱۴۴)
۲. در روز جنگ حوانیت، تعدادی از یاران سلیمان بن جامع از ابوالعباس امان خواستند. «در آن روز، گروهی از زنگیان از ابوالعباس امان خواستند که ایشان را امان داد و از یکی از ایشان از جای اقامت سلیمان بن جامع پرسید. به او خبر داد که سلیمان در شهری (منصوره) که در منطقه طهیشا ساخته، مقیم است.» (همان، ص ۵۷۰)
۳. همان، ص ۶۰۸.
۴. ابوعلی مسکویه الرازی، تجارب الأمم، ج ۴، ص ۴۷۴-۴۷۵.
۵. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۰۷.





بود. شیخون‌های آنان بر کاروان‌های تجاری، حتی در ایام محاصره مختاره هم ادامه داشت. ابواحمد دستور داد بر دهانه رودخانه‌ای که معروف به رود بیان و مسیر ورود کاروان است، لشکری گران برای پاسداری بگمارند.^۱ پل‌هایی را که زنگیان تخریب کرده بودند، مرمت و ساخته شد. یکی از این پل‌ها، پل اربق (اربک) بود که مرمت آن، وضعیت خواروبار و غله را در منطقه اهواز بسیار بهبود بخشید.^۲ تجارت از رودهایی که به واسطه ناامنی زنگیان تعطیل شده بود، در ایام محاصره مختاره و در دو سال پایانی نبردهای سرنوشت‌ساز رونق گرفت. ابن ابی‌الحدید در این راستا می‌نویسد:

«کشتی‌ها از راه آنجا رسید و ده سال بود که سالار زنگیان و یارانش، آن راه را بریده بودند.»^۳

این اقدامات، در جلب اعتماد و حمایت عمومی مردم و پیروزی موفق در نبردهای نهایی، تأثیر زیادی داشت. اگر آن‌چنان‌که شعبان مدعی است، ریشه حرکت و قیام زنگیان نارضایتی بازرگانان از عوارض طاقت‌فرسای خلافت عباسی بوده باشد،^۴ این حرکت موفق را باید تلاشی در راستای به‌دست آوردن اعتماد بازرگانان دانست.

۵. اخذ اطلاعات مناسب از برنامه‌ها و تاکتیک‌های صاحب‌الزنج

آنچه در عملیات‌های بزرگ نظامی فوق‌العاده مهم است، دریافت اطلاعات صحیح در باره دشمن و تحرکات وی و تصمیم‌گیری بر اساس آن است. در این زمینه، ابواحمد موفق و فرزندش ابوالعباس، تلاش بسیاری داشتند که به‌موقع از تاکتیک‌ها و برنامه‌های صاحب‌الزنج آگاه شوند و بر ضد آن طرح‌ها، اقدامات لازم را انجام دهند. در ادامه، نمونه‌هایی از تلاش ایشان برای دستیابی به اطلاعات لازم، مورد بررسی قرار می‌گیرد. شرایط باتلاق‌ها و بیشه‌زارها، جنگ با زنگیان را سخت می‌کرد و در این زمینه، کسب اطلاعات، مهم بود. از همان آغاز

۱. همان، ص ۱۸۷.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۷۷؛ ابوعلی مسکویه الرازی، تجارب الأمم، ج ۴، ص ۴۶۳.

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۸۶.

۴. شعبان، «قیام صاحب‌الزنج؛ قیام بردگان یا شورش سیاه‌پوستی»، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، ش ۶، ص ۷۶.





عملیات‌های سه سال سرنوشت‌ساز، این نکته مورد توجه بود. در باره اقدامات پسر موفق بعد از فتح واسط، در منابع می‌خوانیم:

«ابوالعباس کنار همه راه‌ها و دهکده‌ها می‌ایستاد و در باره آنها می‌پرسید و همه مناطق را شناسایی می‌کرد. راهنمایان آگاهی نیز همراهش بودند و ابوالعباس تمام آن سرزمین و راه‌های نفوذی آن و راه‌هایی را که به بیشه‌زارها و باتلاق‌ها منتهی می‌شد، شناسایی کرد.»^۱

با اخذ اطلاعات صحیح، زمینه موفقیت نهایی در نبردها فراهم می‌شد. «ابوالعباس با اطلاع صحیح از جایگاه سلیمان...»^۲ در همان جنگ، یکی از معروف‌ترین فرماندهان زنگی به نام «جبایی» را کشت و پس از آن، شهر طهیثا به تصرف نیروهای خلافت درآمد. اطلاعات، از راه‌های مختلفی حاصل می‌شد؛ به‌عنوان نمونه، در یک مورد طبری می‌نویسد: «مردی از زنگیان لشکر محمد بن ابراهیم، از نصیر و زیرک امان خواست و اطلاعاتی را از انگیزه‌های محمد و اینکه او قرار است به لشکر نصیر حمله‌ور شود، برای آن دو سردار فرستاد.»^۳

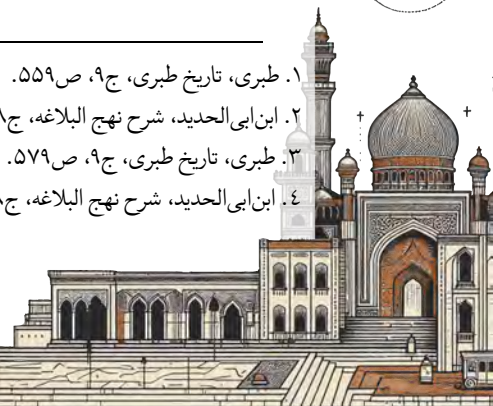
و. آزادی نوامیس مسلمانان از چنگ زنگیان و استرداد آنان به خانواده‌هایشان

یکی از اقدامات زنگیان که باعث نفرت عمومی از آنان می‌شد، اسارت و تجاوز به زنان مسلمان بود که در محدوده قلمرو آنان به‌وفور انجام شد و طبیعتاً مردم از نیرویی که نوامیس مسلمان را از چنگ زنگیان و صاحب‌الزنج نجات می‌داد، به‌شدت حمایت می‌کردند. یکی از دلایلی که موفق توانست حمایت عمومی را در سه سال پایانی جنگ با زنگیان به‌دست آورد، آزادی زنان مسلمانی بود که در اسارت نیروهای زنگی بودند و در مراحل مختلف آزاد شدند. بیشتر از همه، شهر بصره مورد غارت، آزار و اذیت زنگیان قرار گرفت. اسرای زیادی هم از مردم این شهر، از زنان و دختران، تحت سلطه نیروهای صاحب‌الزنج قرار گرفته بودند. در باره آزادی آنان پس از شکست‌های زنگیان آمده است:

«ابو‌احمد و نیروهایش پس از رسیدن به لشکرگاه صاحب‌الزنج، قصرها و خانه‌های آنان را آتش زدند و بسیاری از زنان مردم بصره را رها ساختند.»^۴



۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۵۹.
۲. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۷۳.
۳. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۷۹.
۴. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۵۹.





اولین شهر از شهرهای مهم و ساخته شده به دست زنگیان که به تصرف نیروهای موفق درآمد، شهر منیعه بود. سلیمان بن جامع، از فرماندهان شاخص و محوری زنگیان، این شهر را ساخته و آن را پایگاه اهداف و برنامه‌های آنان قرار داده بود؛ از جمله در آن شهر، زنان فراوانی بودند که به چنگ زنگیان افتاده و مورد کامجویی آنان قرار می‌گرفتند. نیروهای ابوالعباس فرزند موفق توانستند «از این شهر، پنج هزار زن مسلمان را که در دست زنگیان بودند، نجات دهند و این، غیر از زنان زنگی بود که بر آنان دست یافته بودند. ابواحمد فرمان داد زنانی را که زنگیان اسیر گرفته بودند، به واسط ببرند و آنان را به کسان و خویشاوندانشان بسپارند...»^۱

بعد از گشودن شهر منصوره، زنان و کودکان بیشتری آزاد و رها شدند. در منابع می‌خوانیم: «ابواحمد توانست حدود ده هزار زن و کودک از مردم واسط و دهکده‌های آن و نواحی کوفه را که اسیر زنگیان بودند، نجات دهد. او فرمان داد ایشان را نگاهداری کنند و به ایشان مال بخشند و به واسط برند و تسلیم کسان خودشان کنند.»^۲

ابواحمد پس از گشودن طهیثا به «زیرک» که از بزرگان سپاهش بود، فرمان داد همراه گروه بسیاری از لشکریان در طهیثا بماند تا بتواند کسانی را که سلیمان از آن شهر تبعید و بیرون کرده بود، برگرداند.^۳

ز. صبر و بردباری در برابر مشکلات مبارزه

در طول نبردهای ابواحمد با زنگیان، وی با مشکلات زیادی مواجه شد. آتش‌سوزی در لشکرگا موفق در منطقه «بادآورد»،^۴ شیوع برخی بیماری‌ها در میان یاران ابواحمد و مرگ برخی از آنان در «بادآورد»،^۵ زخمی شدن ابوالعباس فرزند موفق^۶ و شدت گرفتن احتمال

۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۶۸؛ ابوعلی مسکویه الرازی، تجارب الأمم، ج ۴، ص ۴۶۰؛ ابن اثیر الجزری، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۳۴۴.
 ۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۷۳؛ ابن اثیر الجزری، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۳۴۷؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۷۵.
 ۳. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۸۴؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۷۶.
 ۴. ابوعلی مسکویه الرازی، تجارب الأمم، ج ۴، ص ۴۳۴.
 ۵. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۴۹۹.
 ۶. همان، ص ۶۰۸.



مرگ وی،^۱ زخمی شدن خود موفق توسط زنگیان^۲ و مشرف شدن وی به مرگ،^۳ از آن جمله بود. در اوج نبردهای ابواحمد با صاحب الزنج، خلیفه معتمد هم به تحریک طولونیان بر ضد برادر اقداماتی را انجام داد^۴ که می‌توانست مایه دلسردی موفق شود. موفق با کمک افرادی که در بین اطرافیان خلیفه داشت و با هماهنگی شخصیت‌هایی مثل اسحاق بن کنداج (م ۲۷۸ق) توانست از فرار معتمد به مصر جلوگیری کند^۵ و شرایط را برای انسجام نیروها در نبرد با زنگیان حفظ کند. صبر و بردباری در برابر مشکلات، ادامه جنگ فرسایشی با زنگیان، اهمیت ندادن به مشکلات پیش‌رو و کوچک شمردن آن، منجر به پیروزی نهایی وی بر نیروهای صاحب الزنج و فتنه کهنه وی گردید.

ح. ارائه جنگ تدریجی، با حوصله و با برنامه

امکانات نظامی و تجهیزات فوق‌العاده و به‌روز سالار زنگیان، پیروزی بر وی را دشوار می‌ساخت. او بهترین بلم‌ها^۶ و زورق‌ها را در اختیار داشت. منجنیق‌ها، عراده‌ها، کمان‌های چندتیره و فلاخن‌های زنگیان، بی‌شمار به نظر می‌رسید.^۷ تعداد آنان بیش از حدود شش برابر^۸ نیروهای خلیفه بود. آنان در شهر مختاره وقتی برای اولین بار نیروهای موفق را در کنار برج و باروی مرکز حکومتشان دیدند، چنان بانگ برداشتند که زمین به لرزه درآمد.^۹ برج و باروی شهر مختاره، فوق‌العاده مستحکم بود. در هر سوی شهر، دیوارهای بلند و استوار و

۱. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۶۹.

۲. شخصی که تیر به سوی موفق انداخت و وی را زخمی کرد، قرطاس رومی بود و مدتی بعد، صاحب‌الزنج مدعی شد که خودش موفق را زخمی کرده است.

۳. تنوخی، نشوار المحاضرة، ج ۱، ص ۱۵۴.

۴. ابن‌اثیر الجزری، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۳۹۴-۳۹۵.

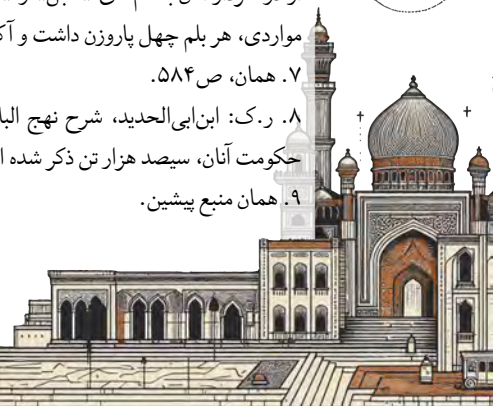
۵. ابن‌عربی، محاضرة الأبرار، ج ۱، ص ۸۳.

۶. تنها در یکی از جنگ‌های سرداری از سرداران ابواحمد به نام «زیرک» با زنگیان، چهل بلم (اربعمانه سفینه) از زنگیان از دو سردار آنان به نام‌های «شبل» و «ابوالندی» به غنیمت گرفته شد. (ر.ک: طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۵۹۳) در مواردی، هر بلم چهل پاروزن داشت و آکنده از جنگاوران، شمشیرها، سپرها و نیزه‌ها بود. (ر.ک: همان، ص ۵۶۱)

۷. همان، ص ۵۸۴.

۸. ر.ک: ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۸۴: تعداد نظامیان و شبه‌نظامیان زنگی از زن و مرد در مرکز حکومت آنان، سیصد هزار تن ذکر شده است.

۹. همان منبع پیشین.





خندق‌های ژرف، مانع رسیدن مهاجمان به شهر می‌شد. به دستور سالار زنگیان تمام راه‌های ورود به شهر را کور کرده بودند. رود ابن‌سمعان^۱ از داخل شهر مختاره می‌گذشت. ابواحمد موفق برای موفقیت چاره‌ای نداشت که باحوصله و بابرنامه درازمدت به جنگ فرسایشی روی آورد تا به تدریج بتواند فتنه‌ای را که باعث درد و رنج بسیاری از مردم شده و وحشت بسیار برانگیخته بود، سرکوب کند؛ برای این منظور، موفق بالله شهر موفقیه را ساخت تا در نزدیک مختاره لشکرگاه مناسبی داشته باشد و بلم‌ها، زورق‌ها و جنگ‌افزارهای آبی را توسعه داد. محاصره کامل شهر مختاره، مستلزم ساخت کشتی‌های بزرگ بود^۲ تا در وقت لازم در رودخانه‌های اطراف مختاره به کار گرفته شود. شهری که از بغداد بزرگ‌تر بود، نمی‌توانست به خوار و بار محتاج نباشد. به دستور موفق، اموال و خراج به جای بغداد و سامرا به موفقیه می‌رسید^۳ و شرایط برای جنگ درازمدت و درهم‌شکستن دشمن قوی و کهنه‌کار که تجربه شکست سرداران زیادی را داشت، فراهم می‌شد.

نتیجه

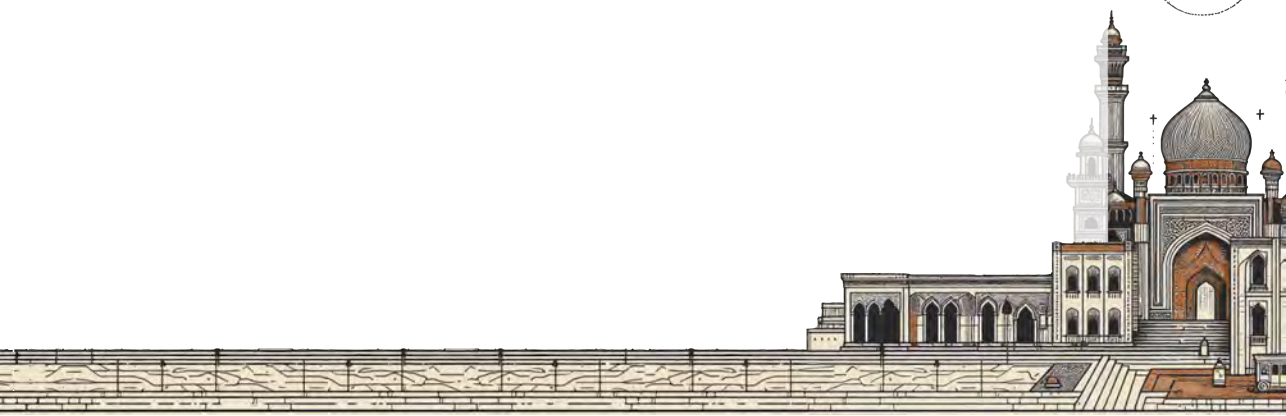
شورش زنگیان در پانزده سال از دوران خلافت معتمد، وحشت زیادی در جهان اسلام ایجاد کرد که دوازده سال اولیه آن شورش، تدبیر درستی برای سرکوب آن اندیشیده نشد؛ اما در سه سال آخر، طلحة بن متوکل، معروف به موفق، با ارائه تدابیری مناسب و با یک جنگ فرسایشی، توانست به دوران شورش طولانی مدت زنگیان پایان دهد. بر اساس شواهد ارائه شده در این مقاله، موفق بالله عباسی با تهیه امکانات لازم برای جنگ در باتلاق‌ها، بیشه‌زارها، عبور از خندق‌ها و برج و باروهای بزرگ و ساخت شهرهای بزرگ نظامی - تجاری در نزدیک مراکز اقتدار و تجمع نیروهای صاحب‌الزنج، همچنین پرداخت منظم و همیشگی مستمری و مواجب نظامیان و استفاده از نخبگان نظامیان نژادهای مختلف با تأکید بر انتخاب فرمانده

۱. رود ابن‌سمعان، رودی فرعی بود که زنگیان آن را از دجله به طرف شهر مختاره مرکز حکومتشان احداث کرده بودند و خانه ابن‌سمعان هم بلافاصله بعد از دژهای کنار حصار شهر بود.
 ۲. ر.ک: ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۸۵: موفق دستور داد که کشتی‌های جنگی در سیراف و جنبه ساخته شود؛ تا به وقت ضرورت، از آن کشتی‌ها بر ضد زنگیان بهره‌مند شود.
 ۳. همان منبع پیشین.





از بین خودشان از منطقه مغرب تا فرغانه، و نیز آزاد کردن نوامیس مسلمانان از چنگ زنگیان و بازگرداندن آنان به خانواده‌هایشان و جذب حمایت و اعتماد عمومی به نیروهای خلافت و با ارائه جنگ‌های متعدد جهت محدود کردن قلمرو زنگیان و استمرار در مبارزه با وجود اختلاف با خلیفه المعتمد بالله و زخمی شدن خودش در نبرد با یاران صاحب‌الزنج، توانست به دوران طولانی سیطره آنان بر مناطق مهم و نسبتاً وسیعی از جهان اسلام (اهواز، آبادان، ابله، بصره، واسط، طهیثا، منیعه، منصوره و مختاره) پایان دهد و علاوه بر تأمین امنیت و رونق راه‌ها و تجارت در آن، خلافت عباسی را از یک تهدید جدی نجات دهد.





منابع

- ابن ابى الحديد، عبد الحميد هبة الله، ١٣٣٧ق، شرح نهج البلاغة، به تصحيح: محمد ابوالفضل ابراهيم، چاپ اول، قم، كتابخانه عمومى آيت الله مرعشى.
- ابن اثير الجزرى، عزالدين ابوالحسن على بن الكرام، ١٣٨٥ق/١٩٦٥م، الكامل فى التاريخ، بيروت، دار صادر.
- ابن جوزى، ابوالفرج عبدالرحمن بن على، ١٤١٢ق/١٩٩٢م، المنتظم فى تاريخ الأمم والملوك، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا ومصطفى عبدالقادر عطا، ط. الأولى، بيروت، دار الكتب العلمية.
- ابن حزم الأندلسى، ابومحمد على بن احمد، ١٤٠٣ق/١٩٨٣م، جمهرة انساب العرب، تحقيق: لجنة من العلماء، ط. الأولى، بيروت، دار الكتب العلمية.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ١٤٠٨ق/١٩٨٨م، العبر، تحقيق: خليل شهادة، ط. الثانية، بيروت، دار الفكر.
- ابن طاووس، رضى الدين على بن موسى، ١٣٦٨ق، فرج المهموم، نجف، بى نا.
- ابن طقطقى، محمد بن على بن طباطبا، ١٤١٨ق، الفخرى فى الآداب السلطانية والدول الاسلامية، تحقيق: عبدالقادر محمد مايو، ط. الأولى، بيروت، دار القلم العربى.
- ابن عربى، محبى الدين، ١٤٢٢ق، محاضرة الأبرار ومسامرة الأخيار، مصحح: محمد عبدالكريم النمرى، الطبعة الأولى، بيروت، دار الكتب العلمية.
- ابن عماد حنبلى، شهاب الدين ابوالفلاح عبدالحى، ١٤٠٦ق، شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، تحقيق: الأرنؤوط، الطبعة الأولى، دمشق، دار ابن كثير.
- ابن قتيبة دینورى، ابوعبدالله محمد، ١٤١٠ق/١٩٩٠م، الإمامه والسياسة، تحقيق: على شيرى، ط. الأولى، بيروت، دار الاضواء.
- ابن كثير دمشقى، ابوالفداء اسماعيل بن عمر (م. ٧٧٤ق)، البدايه و النهايه، الطبعة الاولى، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٧ق
- ابوعلى مسكويه الرازى، ١٣٧٩، تجارب الأمم وتعاقب الهمم، تحقيق: ابوالقاسم امامى، الطبعة الثانية، تهران، سروش.
- استرآبادى، ميرزا محمدعلى، بى تا، منهج المقال فى تحقيق احوال الرجال، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة اهل البيت.
- بارتولد، و.و، ١٣٧٧، خليفه و سلطان، ترجمه: سيروس ايزدى، چاپ دوم، تهران، اميركبير.
- برهمند، غلامرضا و محمودى، محمد، بهار ١٣٩٠، «نگاهى ديگر به برخى از ابعاد شورش زنگيان»، مجله علمى - پژوهشى مسكويه، شماره ١٦.
- پطروشفسكى، س.آ.ب، ١٣٥٦، سه مقاله در باره بردگى، ترجمه: سيروس ايزدى، چاپ اول، تهران، اميركبير.
- تنوخى، ابوعلی محسن بن على، ١٩٧١م، نشوار المحاضرة واخبار المذاكرة، بتصحيح: عبود الشالجي، بيروت، بى نا.
- حتى، فيليب، ١٣٨٠، تاريخ عرب، ترجمه: ابوالقاسم پاينده، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمى و فرهنگى.
- الدورى، عبدالعزيز، ١٩٤٥م، دراسات العصر العباسى المتأخرة، بغداد.





ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، ۱۴۱۳ق، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والاعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، الطبعة الثانية، بیروت، دار الکتب العربی.

سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۲۵ق، تاریخ الخلفاء، الطبعة الثاني، قاهره: دار اللجنة للتراث.

شعبان، محمد عبدالحی، تابستان ۱۳۸۴، «قیام صاحب‌الزنج؛ قیام بردگان یا شورش سیاه‌پوستی»، ترجمه: مازیار کریمی حاجی خادمی، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۶.

طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م، التاریخ الطبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الثانية، بیروت، دار التراث العربی.

عباسی، علی اکبر، ۱۳۹۹، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، چاپ چهاردهم، تهران، هزاره ققنوس.

علبی، احمد، ۱۳۵۹، قیام زنگیان، ترجمه: کریم زمانی، چاپ اول، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. فیصل سامر، ۱۹۵۴م، ثورة الزنج، بغداد.

قوامی، حسین، تیرماه ۱۳۶۲، «نظری به دو جنبش بردگان در عهد امویان و عباسیان»، مجله چیستا، شماره ۲۰: ۱۵۱-۱۵۵.

قوامی، حسین، فروردین ۱۳۶۱، «قیام زنگیان»، مجله چیستا، شماره ۸: ۹۴۴-۹۵۰.

قوامی، حسین، فروردین ۱۳۶۲، «یک جنبش روستایی»، مجله چیستا، شماره ۱۷ و ۱۸: ۸۶۹-۸۷۴.

مستوفی قزوینی، حمدالله، ۱۳۶۴، تاریخ گزیده، تصحیح: عبدالحسین نوایی، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، ۱۴۰۹ق، مروج الذهب ومعادن الجوهر، تحقیق: اسعد داغر، چاپ دوم، قم، دار الهجرة.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، الجمل أو النُصرة فی حرب البصرة، چاپ اول، قم، کنگره بین‌المللی شیخ مفید.

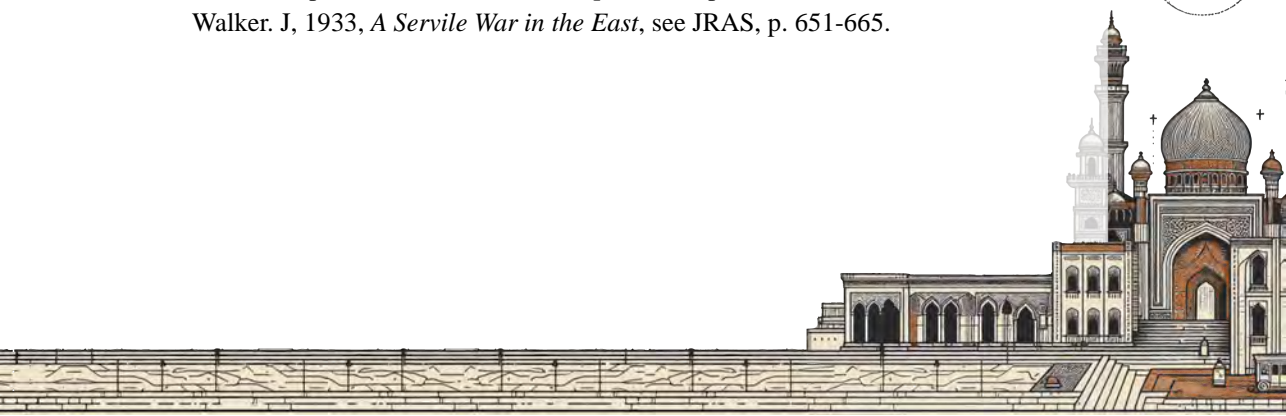
ممتحن، حسینعلی، ۱۳۶۶، پیشگویی‌های استوار و راستین حضرت امیرالمومنین (ع) در باب نهضت صاحب‌الزنج، چاپ اول، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

نظام‌الملک، حسن بن علی، ۱۳۷۸، سیر الملوک (سیاست‌نامه)، به تصحیح: هیوبرت دارک، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

Noldeke. T, 1892, *Sketches from Eastern History*, London- Edinburgh, Adam and Charles black, chapter 5.

Casanova. p, 1893, *Revue Numismatique*, Paris, p. 506-510.

Walker. J, 1933, *A Servile War in the East*, see JRAS, p. 651-665.





References

- Ibn Abi al-Hadid, A. H. H. A. (1958). *Commentary on Nahjolbalagheh* (Ed. Muhammad Abul-Fazl Ebrahim, 1st ed.). Qom: Ayatollah Marashi Public Library.
- Ibn Athir al-Jazari, E. A. H. A. I. K. (1965). *Al-kamal fi al-tarikh*. Beirut: Dar Sader.
- Ibn Jozi, A. F. A. R. B. A. (1992). *Al-montazem fi Tarikh al-omamm va al-maluk* (Ed. Mohammad Abdul Qader Atta & Mostafa Abdul Qader Atta, 1st ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah.
- Ibn Hazm Al-Andalusi, A. M. A. I. A. (1983). *Jamrah Ansab al-Arab* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah.
- Ibn Khaldun, A. R. B. M. (1988). *Al-Abar*. (Ed. Khalil Shahada, Vol. 2). Beirut: Dar al-Fekr.
- Ibn Tawoos, R. D. A. B. M. (1989). *Faraj al-Mahmum*. Najaf: (n.p.).
- Ibn Taqatqi, M. B.A. B. T. (1997). *Al-fakhri fi al-adaab al-soltaniyah va al- doval al-eslamiyah* (Ed. Abdol-Qader Mohammad Mayo, Vol.1.). Beirut: Dar al-Qalam al-Arabi.
- Ibn Arabi, M. D. (2001). *Lecture of Al-Abrar and Masamrah Al-Akhyar*, revised by: Muhammad Abd al-Karim al-Nimri, first edition, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Ibn Imad Hanbali, Sh. D. A. F. A. H. (1985). *Shazerat al-Zahb fi Akhbar Men al-Zahb* (Ed. Al-Arna'ut, 1st ed.). Damascus: Dar Ibn Kathir.
- Ibn Qotaiba Dinvari, A. A. M. (1990). *Imamate and politics* (Ed. Ali Shiri, Vol. 1). Beirut: Dar al-Awza.
- Ibn Kathir Damashqi, A. F. I. B. O. (1986). *Al-bedayah va al-nahayah* (1st ed.). Beirut: Dar al-Fekr,
- Moskuyeh Al-Razi, A. A. (2000). *Tajarob al-omam va ta'aqob al-homam* (Ed. Abul Qasim Emami, 2nd ed.). Tehran: Soroush.
- Estrabadi, M. M. A. (n.d.). *Monhaj al-maqal in researching the condition of men* (1st ed.). Qom: Ahl al-Bayt Institute.
- Barthold, V.V. (1998). *Caliph and Sultan*, (Siroos Yazidi, Trans., 2nd ed.). Tehran: Amir Kabir.
- Brahmand, Gh., & Mahmoudi, M. (2018). "Another Look at Some Aspects of the Zangian Rebellion". *Moskuyeh Periodical*, No. 16.
- Petroshevsky, Y.A.B. (1977). *Three articles on slavery* (Siros Ezadi, Trans., 1st ed.). Tehran: Amir Kabir.
- Tanukhi, A. A. M. B. A. (1971). *Nashwaar Al-Mahadera and Akhbar Al-Mahakara*, edited by: Abud Al-Shalji, Beirut, Bina.
- Hatt, Ph. (2001). *Arab History* (Abolqasem Payandeh, Trans., 3rd ed.). Tehran: Elmi Farhangi Publications.





- Al-Dori, A. A. (1945). *Derasat al-Asr Al-Abasi al-moteakherahh*. Baghdad. (n.p.).
- Dhahabi, Sh. D. M. B. A. (1997). *Tarikh al-Islam and the deaths of the famous scholars* (Ed. Omar Abd al-Salam Tadmari, 2nd ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Arabi.
- Siyuti, J. D. (2004). *History of caliphs* (2nd ed.). Cairo: Dar al-Jannat al-Torath.
- Shaaban, M. A. H. (2014). "The Rise of Sahib Al-Zanj; Slave Uprising or Black Rebellion" (Maziar Karimi Haji Khademi, Trans.). *Quarterly Journal of History in the Mirror of Research*, No. 6.
- Tabari, M. B. J. (1967). *Tarikh al-Tabari* (Ed. Muhammad Abulfazl Ibrahim, 2nd ed.). Beirut: Dar al-Tarath al-Arabi.
- Abbasi, A. A. (2019). *History of culture and civilization of Islam and Iran* (14th ed.). Tehran: Hazareh Qoqnos.
- Alabi, A. (1980). *Uprising of Zangian* (Karim Zamani, Trans., 1st ed.). Tehran: Rasa Cultural Services Institute.
- Samer, F. (1954). *Thurat al-zanj*. Baghdad: (n.p.).
- Qavami, H. (1983). "An overview of two slave movements during the Umayyad and Abbasid eras". *Chista Journal*, 20, 151-155.
- Qavami, H. (1981). "Zangian Relarity". *Chista Magazine*, No. 8, pp. 944- ۹۵۰.
- Qavami, H. (1983). "A Rural Movement". *Chista Journal*, No. 17 & 18, pp. 874-869.
- Mostofi Qazvini, H. (1985). *Tarikh e-gozideh* (Ed. Abdul Hossein Navaei, 3rd ed.). Tehran: Amir Kabir.
- Masoudi, A. A. B. H. (1988). *Moravej al-Dahb and Ma'aden al-Jawhar* (Ed: As'ad Dagher, 2nd ed.). Qom, Dar al-Hijrah.
- Mofid, M. B. M. B. N. (1992). *Al-Jamal or Al-Nosra fi Harb al-Basra* (1st ed.). Qom: Sheikh Mofid International Congress.
- Momthan, H. A. (1987). *The true prophecies of Hazrat Amir al-Mominin (A.S.) regarding Sahib-al-Zanj movement* (1st ed.). Tehran: Shahid Beheshti University.
- Nezam al-Molk, H. B. A. (1999). *Seir al-Moluk (Siasatnameh)* (Ed. Hubert Dark, 4th ed.). Tehran: Elmi Farhangi Publications.
- Noldeke. T. (1892). *Sketches from Eastern History*. London: Edinburgh, Adam and Charles black, chapter 5.
- Casanova, P. (1893). *Revue Numismatique*. Paris, pp. 506-510.
- Walker. J. (1933). *A Servile War in the East*. JRAS, pp. 651-665.

